

نقش مهارت‌آموزی در آموزش دانش تاریخ با تأکید بر پارادایم رانکه‌ای

امیر علی نیا^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۰۷

چکیده

پارادایم رانکه‌ای با تلاش‌های لئوپلد فن رانکه از تأثیرگذارترین مورخان اروپای سده نوزدهم میلادی بنیان نهاده شد که تفکرات وی تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگری سده نوزدهم را متحول کرد. رانکه که مورخ رسمی دولت پروس بود، پارادایم روشمندی در نگارش تاریخ را بنیان نهاد و با پنج دهه آموزش دانش تاریخ، نخستین نسل مورخان حرفه‌ای را آموزش داد. با تلاش‌های وی، دانش تاریخ، موضوعی علمی شد که نیازمند آموزش تخصصی بود. هدف از نگارش این مقاله، بررسی اهمیت نقش مهارت‌آموزی در آموزش دانش تاریخ با تأکید بر پارادایم رانکه‌ای خواهد بود. یافته‌های این پژوهش، بیانگر اهمیت نقش مهارت‌آموزی در تفکرات مورخ بزرگی است که علاوه بر بنیان نهادن پارادایمی جدید در تاریخ‌نگاری، نخستین دوره کارورزی و کارآموزی رشته تاریخ را در دوازدهم جولای ۱۸۲۵ میلادی راه‌اندازی کرد.

واژگان کلیدی: مهارت‌آموزی، لئوپلد فن رانکه، کارورزی، پارادایم رانکه‌ای، آموزش

تاریخ.

مقدمه

تا سده نوزدهم میلادی، هنوز دانش تاریخ به عنوان رشته‌ای آکادمیک در دانشگاه‌های مهم پا نگرفته بود. در این سده، آلمان سهم چشم‌گیری در مطالعات تاریخی جدید و ارائه مبانی آموزشی و نهادی برای آموزش دانش تاریخ و مورخان در دانشگاه‌ها داشت. در این راستا، تلاش‌های لئوپلد فون رانکه^۱ و برآمدن پارادایم تاریخ‌نگاری وی به مطالعات تاریخی اعتباری آکادمیک بخشید. لئوپلد فون رانکه، بنیان‌گذار تاریخ‌نگاری علمی در سده نوزدهم میلادی بر اهمیت نقش مهارت‌آموزی در آموزش دانش تاریخ تأکید داشت. در این راستا، وی از تأثیرگذارترین مورخان آلمانی سده نوزدهم میلادی بود که به نقش دوره کارورزی در آموزش دانش تاریخ برای تربیت کارشناسان توانمند این رشته اهمیت داد و ارائه سمینار را به عنوان روش آموزش دانش تاریخ برگزید. از این رو، با تلاش‌های وی، روش کاملاً نوینی در آموزش دانش تاریخ گسترش یافت. در این پژوهش سعی بر آن است تا به بررسی نقش مهارت‌آموزی در آموزش دانش تاریخ با تأکید بر پارادایم رانکه‌ای پرداخته شود.

بحث اصلی

نقش مهارت‌آموزی در پویایی آموزش دانش تاریخ

اگر از وضعیت بُغرنج آموزش آکادمیک دانش تاریخ، در دانشگاه‌ها آگاهی؛ اگر می‌دانیم که دانش‌آموختگان رشته تاریخ، در دوره تحصیلی‌شان، تقریباً هیچ آموزش و مهارت حرفه‌ای نمی‌آموزند؛ اگر آگاهی که اکثر متقاضیانی که صادقانه و مشتاقانه رشته تحصیلی تاریخ را برمی‌گزینند، از طبقات فقیر و فرودست جامعه‌اند؛ اگر بیکاری و در پی آن، رنج دانش‌آموختگان رشته تاریخ، وجدانمان را آزرده می‌کند؛ اگر از نگاه عالم و عامی و از جدی

^۱. Leopold von Ranke.

نگرفته شدن دانش تاریخ و ناکارآمدی آن در جامعه‌مان، سرخورده می‌شویم؛ اگر آگاهی که وزارت علوم و سازمان سنجش آموزش کشور، در مسیر حذف کنکور گام برمی‌دارند؛ اگر امیدواریم در آینده، افراد نخبه، قوی و با استعداد با شور و شوق رشته دانشگاهی تاریخ را برای تحصیل برگزینند و با انجام پژوهش‌ها و مطالعات عمیق و روشمند، تیر شوق به دوردست‌ها بیفکنند؛ پس بحران آموزش رشته تاریخ را جدی بگیریم و با فریاد دل‌سوزانه و دردمندانام همدلی کنیم. ناگفته پیداست که برنامه آموزشی گروه‌های تاریخ در دانشگاه‌های کشورمان نیازمند بازنویسی، بازننگری و روزآمدی است. به باور برخی از پژوهشگران با توجه به دگرگونی‌های معنادار در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایرانی، مهم‌ترین نقص موجود در برنامه آموزشی رشته تاریخ، فقدان آموزش حرفه‌ای دانشجویان این رشته است (ملائی‌توانی، ۱۳۹۳: ۲۸). از سوی دیگر، با توجه به بحران جدی و آزاردهنده اشتغال فارغ‌التحصیلان بیکار رشته تاریخ، باید چاره‌ای فوری اندیشید. چاره‌اندیشی در این حوزه از آن رو، فوری و ضروری است که وزارت علوم و سازمان سنجش و آموزش کشور در مسیر حذف کنکور گام برمی‌دارند، این هشدار جدی برای متولیان آموزش دانش تاریخ در دانشگاه‌ها است که باید بحران را جدی بگیرند و از خود بپرسند، با تداوم این وضعیت و حذف کنکور، آیا باز دانش تاریخ و نهادهای آموزشی آن در دانشگاه‌ها مخاطبانی خواهند یافت؟ (همان: ۲۵).

نیک آگاهی که برنامه آموزشی دانش تاریخ در دانشگاه‌ها و نهادهای آموزشی کشور با ضعف‌ها و کاستی‌های فراوانی روبروست. از جمله، محتوای آموزشی منسوخ‌ی که عمدتاً به تاریخ سیاسی می‌پردازد و افزون‌براین، در فرایند آموزش، بر حفظ انبوهی از داده‌ها و اطلاعات پراکنده تاریخی تأکید می‌شود که به سرعت فراموش می‌شوند. چنین برنامه آموزشی که روزآمدی و مهارت‌آموزی در آن جدی گرفته نمی‌شود، نمی‌تواند در دوره

فراغت از تحصیل دانش‌آموختگان بیکار رشته تاریخ، آنان را به بازار پررقابت اشتغال کشور پیوند دهد. تداوم چنین شرایطی آسیب‌ها و پیامدهای نگران‌کننده‌ای در پی خواهد داشت. از جمله باعث روی‌گردانی افراد مستعد و علاقمند به تحصیل در این رشته‌ها و در مقابل ورود متقاضیانی خواهد شد که هیچ‌علاقه و ارتباطی با رشته تحصیلی‌شان برقرار نمی‌کنند و در پی آن، بازار رزومه‌سازی، جعل پایان‌نامه‌ها، جعل مدارک زبان و مقالات رونق می‌گیرد و مدام بازتولید می‌شوند. افزون بر این، باعث افسردگی و ناامیدی افرادی خواهد شد که با جان و دل، مشتاق اعتلا و رونق علمی این رشته‌اند. از این‌رو، تدوین برنامه آموزشی پویا، مهارت‌محور، کارآمد و متناسب با نیازهای روز جامعه بسیار فوری و ضروری است. در این راستا، گنجانیدن دوره‌های روزآمد و مهارت‌محور در برنامه آموزشی گروه‌های تاریخ، می‌تواند در برون‌رفت از این بحران، بسیار راهگشا باشد و به پویایی و کارآمدی این رشته و پیوند آن با نیازهای جامعه کمک کند.

با تدوین دوره‌های مهارت‌آموزانه در برنامه آموزشی رشته تاریخ در دانشگاه‌ها، می‌توان به فهم دانش تاریخ و همچنین افزایش توانمندی‌های دانشجویان این رشته برای آمادگی ورود به بازار کار کمک کرد. همچنین، با کارشناسی محتوای آموزشی این دوره‌ها از سوی نیروهای متخصص، دلسوز و مجرب، می‌توان دانشجویان رشته تاریخ را با فناوری‌های نوین و فرصت‌های شغلی این رشته آموزش داد تا علاوه بر کسب مهارت و تجربه به شناخت بهتری از آینده شغلی خود دست یابند و از یک دانش‌آموخته صرف به کارشناسی مجرب و درآمدزا آموزش یابند. افزون‌براین، در این دوره‌ها می‌توان دانشجویان تاریخ را با مهارت‌های پژوهشی، عملی و کارورزی آموزش داد. از جمله مهارت‌های پژوهشی، روش‌ها و مهارت‌های تحقیقاتی خواهد بود که دانشجویان رشته تاریخ برای نگارش پژوهش‌های روشمند و عالمانه، نیازمند آموختن این فنون و تکنیک‌ها خواهند بود. در زمینه

مهارت‌های عملی و کارورزی، می‌توان به آموزش فنون آرشیوی و بایگانی و همچنین تاریخ شفاهی اشاره کرد. همچنان که در آموزش‌های مهارت محورانه پارادایم رانکه‌ای به آن توجه شده است.

مهارت‌آموزی در رویکرد پارادایم رانکه‌ای

شکل‌گیری رشته نوین تاریخ در سده نوزدهم میلادی (Iggers, 2005: 23) و آغاز تاریخ‌نگاری عالمانه و آکادمیک در دانشگاه‌های آلمان، مدیون تلاش‌های شخصیت علمی به نام لئوپلد فن رانکه بود. رانکه، پروتستانی معتقد بود که ۱۷۹۵ میلادی در ویهه آلمان دیده به جهان گشود. وی را با فراخوان معروف‌اش می‌شناسیم، گذشته: "همان‌طور که واقعاً اتفاق افتاده است".^۱ رانکه سهم چشمگیری در بسط آموزش دانش تاریخ و معرفت تاریخی سده نوزدهم میلادی داشت و تلاش‌های وی در نامگذاری سده نوزدهم به سده تاریخ بسیار تأثیرگذار بود. وی در میان مورخان سده نوزدهم میلادی، شاگردانی از جمله جورج وایتز،^۲ فریدریش ویلهلم فن گیزبرج،^۳ دهلمن^۴ و بنکرافت^۵ داشت و هربرت آدامز،^۶ ادوارد گیلورد بورن،^۷ جان ویلهلم بورگس،^۸ هربرت اسگود^۹ از پایه‌گذاران رشته دانشگاهی تاریخ در آمریکا و فریدریش ماینکه^{۱۰} و ارنست ترولچ^{۱۱} محققان آلمانی متأثر از تفکرات تاریخی وی بودند (Iggers, 1962: 17). رانکه را پدر مکتب تاریخ‌نویسی بی‌طرفانه جدید

1. Wie es eigentlich gewesen.

2. Georg Waitz.

3. Friedrich Wilhelm von Giesebrecht.

4. Dahelman.

5. Bancroft.

6. Herbert Adams.

7. Edward Gaylord Bourne.

8. John William Burgess.

9. H. L. Osgood.

10. Friedrich Meinecke.

11. Ernst Troeltsch.

نامیده‌اند (استنفورد، ۱۳۹۱: ۴۲)، کسی که توانست نخستین نسل مورخان حرفه‌ای مدرن از جمله، جورج وایتز^۱ و یاکوب بورکهارت^۲ را آموزش دهد.

پارادایم رانکه‌ای در فضای دانشگاهی و آکادمیک آلمانِ میانهٔ سده نوزدهم میلادی بالیدن گرفت. رانکه مورخی پوزیتیو نبود، لیکن سایه‌روشن‌های پوزیتیویسم پارادایم وی که متأثر از تجربه‌گرایی سدهٔ نوزدهم میلادی بود بر تشدید بی‌طرفی و دقت در نگارش تاریخ تأکید داشت. پارادایم وی بر قدرت و کُنش‌های سیاسی، اسناد و آرشیو محوری، نقد و ارزیابی منابع و نگارش دقیق و بی‌طرفانه گذشته تأکید داشت و الگویی رایج برای کشورهای اروپایی (انگلیس، ایرلند، هلند، فرانسه)، آمریکا و ژاپن گردید. تثبیت و تداوم این پارادایم به آموزش تخصصی مورخان، اهمیت آرشیوها و تربیت آرشیوداران، انتشار نشریات تخصصی، تأسیس کرسی‌های دانشگاهی تاریخ، رشد تاریخ‌نگاری علمی و روشمندی مطالعات تاریخی انجامید.

از مهم‌ترین ویژگی‌های پارادایم رانکه‌ای، رویکرد مهارت‌آموزانه در آموزش دانش تاریخ بود. استفادهٔ رانکه از روش عملی و مهارت‌آموزانه برای آموزش دانش تاریخ، متأثر از دوستش کارل فُن راومر^۳ استاد کانی‌شناسی در دانشگاه اِرلانگنِ آلمان بود. راومر، استفاده از دوره‌های عملی را برای آموزش دانش تاریخ پیشنهاد کرده بود؛ از این‌رو، رانکه در دوازدهم جولای ۱۸۲۵ میلادی با سپاس از دوستش راومر، دورهٔ کارورزی و کارآموزی رشتهٔ تاریخ را راه‌اندازی کرد. رانکه در این راستا، شیوهٔ آموزش با استفاده از روش سمینار را برای آموزش دانش تاریخ بُنیان نهاد که در بسط و پیشرفت آموزش دانش تاریخ در

^۱. Georg Waitz.

^۲. Jacob Burckhardt.

^۳. Carl von Raumer.

دانشگاه‌های سده نوزدهم میلادی، نقش تأثیرگذاری داشت و تا سده‌ها برای آموزش حرفه‌ای دانش تاریخ در آلمان و آمریکا مرسوم بود.

رانکه از دوره دانشجویی در لایپزیک آلمان، پیشگام روش سمینار برای آموزش دانش تاریخ بود که توانست از این طریق، پژوهشگران بسیاری را آموزش دهد. اوایل، از این روش برای آموزش معلمان استفاده می‌شد و پیش از آن در فیلولوژی یا لغت‌شناسی کلاسیک به کار گرفته شده بود. به طوری که ۱۷۶۴ میلادی در گوتینگن، گاترر^۱ موسسه تاریخی بنیان نهاده بود و از روش سمینار برای آموزش استفاده می‌کرد (Bourne, 1901: 265). سال‌ها بعد، ۱۸۵۴ میلادی تئودور فن زیکل^۲ از قرون وسطی‌شناسان سده نوزدهم میلادی، نخستین سمینار آموزشی را برای بررسی دقیق منابع و مآخذ مورد استفاده در پژوهش‌های تاریخی برگزار کرد و دانشگاه‌های مهم آلمان بتدریج از آن پیروی کردند (فراید، ۱۳۸۵: ۶۶). هاینریش فن سیبل^۳ مورخ آلمانی، چنان شیفته و تحت تأثیر سمینارهای رانکه بود که آشنایی با آن را سرآغاز زندگی علمی و آکادمیک خود می‌دانست و با تصدی گرسی استادی در دانشگاه بن، سمینارهای تاریخی را برای آموزش دانش تاریخ راه‌اندازی کرد (Southard, 1995: 97-99).

روش سمینار به عنوان مبنا و بنیانی برای آموزش دانش تاریخ عمل کرد (Spongberg, 2002: 58) و علاوه بر شکل‌گیری انجمن‌های تاریخی در نیمه دوم سده نوزدهم میلادی به دقت و واکاوی در پژوهش و تحقیقات آرشیوی انجامید. در این روش به مهارت‌های پژوهشی از جمله بررسی انتقادی منابع و متون پرداخته می‌شد. روش نقد منابع و اسناد تاریخی جدید، ابتکار رانکه بود (Clark, 2004: 9-11). رانکه هر کوششی برای

1. gatherer.

2. Theodor von Sickel.

3. Heinrich von Sybel.

نگارش تاریخ، فارغ از ارزیابی انتقادی اسناد و منابع دست‌اول را مردود می‌دانست و به تمرکز بر منابع اصلی برای اجتناب از تناقض‌گویی باور داشت. وی پیشگام مطالعه روشمند منابع دست‌اول بود. از این‌رو، شرح جنگ‌های ایتالیا از جمله آثار کلاسیک گویچاردینی را به دلیل ضعف نقادانه شواهد و منابع، علمی و دقیق نمی‌دانست. وی حتی با نقد "تاریخ ایتالیا" اثر فرانچسکو گویچاردینی^۱، او را به جعل فکت‌های تاریخی و حتی تقلب متهم کر (Gilbert, 1990: 14-16). رانکه مانند توسیدید^۲ که موضوع پایان‌نامه دکترایش بود (Morley and Harloe, 2012: 9)، کوشید تا اصولی روشمند برای تاریخ‌نگاری انتقادی و دقیق بنیان نهد، تاریخ‌نگاری که بر استفاده از منابع اصلی وقایع تأکید داشت (Green and Troup, 1999: 2).

سمینارهای رانکه، روش تاریخ‌نگاری وی را برای پژوهشگران آموزش می‌داد. از ضروریات سمینارها، بررسی انتقادی منابع، آموزش نقادانه و فراهم کردن فضایی انتقادی برای اعضای آن بود تا با برگزاری نشست‌های هفتگی به طرح مباحث فلسفه تاریخ، کتاب‌شناسی و بررسی و نقد منابع و متون پردازند (Fitzsimons, 1980: 542). به باور رانکه، مورخان پیشین بدون انجام پژوهش‌های آرشیوی و تجزیه و تحلیل انتقادی منابع و متون، کتاب‌های کهن را رونویسی کرده بودند. رانکه در پی استفاده دقیق و درست از شواهد و گزارش‌های عینی و اسناد همزمان وقایع بود (Braw, 2010: 30)، روشی که نقطه عطفی در تاریخ‌نگاری مدرن گردید. این آموزش‌ها، جایگزینی برای الگوی کهن توسیدید ارائه می‌داد و دانشجویان رانکه براساس آن، طرح نخستین دوره دکترای تاریخ را در دانشگاه جان‌هاپکینز^۳ ایالات متحده آمریکا پایه‌گذاری کردند (Muir, 1987: 3-4).

¹. Francesco Guicciardini.

². Thucydides.

³. John Hopkins University.

دیگر مؤلفه مهم پارادایم رانکه، تمرکز بر منابع آرشیوی و اسنادی در پژوهش‌های تاریخی بود، منابعی که بررسی، تحلیل زبان‌شناسی و استفاده از آن‌ها نیازمند دوره‌های کارورزی و مهارت‌آموزانه بود تا بتوان روایت‌های واقعی تاریخی را از آن‌ها استخراج کرد. به باور رانکه در پارادایم رانکه‌ای، مورخان برای نگارش تاریخ باید با مراجعه به آرشیوها و بررسی اسناد و نقد منابع، روایت‌های تاریخی فکت‌محوری ارائه می‌کردند. از این‌رو، وی سخت‌کوشانه تلاش‌های گسترده‌ای برای جمع‌آوری اسناد و مدارک آرشیوی انجام داد و مجموعه‌ای شخصی حدود شصت هزار نسخه خطی گردآوری کرد. فیلیپ مولر در مقاله‌ای با عنوان "آرشیوها و تاریخ" به بررسی پیشینه استفاده از آرشیوهای دولتی، تلاش‌های رانکه برای دسترسی به آرشیوها که به باور رانکه، فکت‌های تاریخی در آن‌ها آرمیده بود و موانع دسترسی به بایگانی‌های دولتی پرداخته است.

پیوند پژوهش‌های تاریخی با مراکز و سازمان‌های اسنادی و آرشیوی، میراث پارادایم رانکه‌ای بود که افزون بر گشودن افق‌های جدید در مطالعات تاریخی، می‌تواند نقش مهمی در اشتغال پایدار دانشجویان و فارغ‌التحصیلان بیکار رشته تاریخ داشته باشد. اهل تاریخ می‌توانند با فراغ‌بال و بدون مدعی، این عرصه بزرگ کارآفرینی و اشتغال تاریخی را به خود اختصاص دهند، اگر نیک‌بگیریم در کشور ما انبوهی از سازمان‌ها، نهادها، مؤسسات و دستگاه‌های بزرگ و کوچک دولتی وجود دارند که روزانه هزاران برگ کاغذ، مکاتبات اداری، درخواست‌ها و مانند آن که مربوط به امور جاری و پیشین و همچنین فرآیندهای موجود این نهادهاست، مبادله و مکاتبه می‌کنند و این مکاتبات پس از طی مراحل، سرانجام از چرخه کار اداری خارج و به اصطلاح، بایگانی می‌شوند، با آموزش فن نگه‌داری و سازمان‌دهی این اسناد و فعال کردن این ظرفیت، می‌توان به همه نیازهای شغلی اهل تاریخ

¹. Philipp M^uller, (2013), "Archives and history: Towards a history of 'the use of state archives' in the 19th century", *History of the Human Sciences*, Vol.26, pp. 27-49.

پاسخ داد (ملائسی‌توانی، ۱۳۹۳: ۲۹). افزون بر این، در راستای توجه به آموزش مهارت‌محورانه دانش تاریخ، لئوپلد فن رانکه به تاریخ شفاهی و اهمیت منابع شفاهی، درباره وقایع گذشته و ثبت و ضبط این اطلاعات برای تبدیل شدن به اسناد تاریخی نیز توجه داشت. آگاهیم که رانکه کتاب تاریخ صربستان را با توجه به داده‌های شفاهی نگاشت و منبع شفاهی این کتاب، اطلاعات ووک^۱ مورخ صربستانی بود که رانکه مصاحبه خویش با وی را همانند گزارش‌های نوشتاری مرسوم و منابع معتبر در نظر گرفت (Boldt, n.d: 5). تاریخ شفاهی به‌عنوان یک عرصه کارورزی، امروزه به دل‌مشغولی و دغدغه انبوهی از افراد علاقمند و برخی نهادهای پژوهشی کشورمان نیز تبدیل شده است (ملائسی‌توانی، ۱۳۹۳: ۲۹). توجه به این حوزه در برنامه آموزشی دانش تاریخ از دیگر ظرفیت‌های بسیار مهم و مغتنمی است که می‌تواند عرصه مناسبی برای اشتغال دانش‌آموختگان بیکار رشته تاریخ فراهم کند.

نتیجه‌گیری

توجه به رویکرد مهارت‌آموزانه در آموزش دانش تاریخ، چشم‌انداز امیدبخشی به روی اهل تاریخ و دانشجویان این رشته خواهد گشود. همچنان که در پژوهش حاضر به آن پرداخته شد، لئوپلد فن رانکه مورخ تاثیرگذار آلمان سده نوزدهم میلادی نیز با ذکاوت و ژرف‌اندیشی به مهارت‌آموزی در آموزش دانش تاریخ توجه داشت. وی با بُنیان نهادن میراث فکری نیرومندی، با حدود پنج دهه آموزش دانش تاریخ، نخستین نسل مورخان حرفه‌ای را آموزش داد. مورخانی که به اصول تاریخ‌نویسی فکت‌بنیاد و اهمیت تاریخ‌نگاری سند محور وی وفادار ماندند. به نظر اینجانب، در راستای ایده رانکه، می‌توان دوره‌های مهارت‌آموزی

^۱. Wuk.

در قالب واحدهای آموزشی استاندارد و مهارت‌محورانه‌ای تعریف کرد تا دانشجویان تاریخ با فراگیری مهارت‌های حرفه‌ای از جمله، فنون و روش‌های پژوهش عالمانه، آموزش فنون آرشیوی و بایگانی و آموزش مهارت تاریخ شفاهی، بتوانند بعد از فراغت از تحصیل اشتغال پایداری داشته باشند. در پایان، باید اشاره کنم که قصد اینجانب، پرداختن به رویکرد مهارت‌آموزانه آموزش دانش تاریخ در تفکرات مورخ بزرگی بود که پارادایم نیرومندی بنیان نهاد. ناگفته پیداست که می‌توان با توجه به شرایط تاریخی و اجتماعی، دوره‌های به‌روزتر و کارآمدتری جهت اشتغال پایدار فارغ‌التحصیلان بیکار رشته تاریخ، و برون‌رفت از این بحران، برنامه‌ریزی کرد.

منابع و مأخذ:

- استنفورد، مایکل، (۱۳۹۱)، *درآمدی بر تاریخ پژوهی*، ترجمه مسعود صادقی، تهران: سمت.
- فراید، ادموند. ب، (۱۳۸۵)، "تاریخ‌نگاری و روش‌شناسی تاریخی"، در: *تاریخ‌نگاری و جامعه‌شناسی تاریخی*، گری. جی. همیلتون، رندال کولینزو دیگران، ترجمه هاشم آقاجری، تهران: کویر، صص ۷۱-۹.
- ملائی‌توانی، علیرضا، (۱۳۹۳)، "ضرورت تحول ساختاری در برنامه آموزشی رشته تاریخ بر بنیاد نیازهای جامعه امروز"، *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*، ش ۱۹۳، صص ۳۷-۲۳.
- Boldt, A, (n.d), "Perception, Depiction and Description of European History: Leopold von Ranke and his Development and Understanding of Modern Historical Writing", pp. 1-17. *Historical Perspectives*, http://www.gla.ac.uk/media_64280_en.pdf.
- Bourne, E. G, (1901), *Essays in Historical Criticism*, Yale University.
- Braw, J. D, (2010), "Original Knowledge and True Enlightenment: Ranke's Kritik in Context", *Historiein*, Vol. 10, pp. 28-37. Fitzsimons, M. A, (1980),

“*Ranke: History as Worship*”, *The Review of Politics*, Vol. 42, No. 4, pp. 533-555.

Clark, Elizabeth A, (2004), *History, theory, text: Historians and the linguistic turn*, Harvard University Press.

Gilbert, Felix, (1990), *History Politics or Culture? Reflections on Ranke and Burckhardt*, Princeton, NJ: Princeton University Press.

Iggers, G. G, (1962), “The Image of Ranke in American and German Historical Thought”, *History and Theory*, Vol. 2, No. 1, pp. 17-40.

Iggers, G. G, (2005), *Historiography in the Twentieth Century: From Scientific Objectivity to the Postmodern Challenge*, Wesleyan University Press, Middletown.

Morley, N. D. G and Harloe, K, (2012), “Introduction:the modern reception of Thucydides”, in N. Morley & K. Harloe (eds), *Thucydides and the Modern World: reception, reinterpretation and influence since the Renaissance*, Cambridge University Press. Green, Anna and Kathleen Troup, (1999), *The Houses of History: A Critical Reader in Twentieth-century History and Theory*, Manchester University Press.

Muir, Edward, (1987). “Leopold von Ranke, His Library, and the Shaping of Historical Evidence”, *The Courier*, Vol. 22, pp. 3-10.

Southard, Robert (1995), *Droysen and Prussian School of History*, University Press of Kentucky.

Spongberg, Mary, (2002), *Writing Women's History since the Renaissance*, New York: Palgrave Macmillan.

The Role of Skills Training in History Education with an Emphasis on *Rankean***Paradigm**Amir Ali Niya¹**Abstract**

The *Rankean* Paradigm was founded by the efforts of Leopold Von Ranke, one of the most influential historians of nineteenth-century Europe, whose thinking shifted historiography and historicism of the nineteenth century. Ranke, who was the official historian of the Prussian state, founded a methodical paradigm in history writing, and with five decades of history education, trained the first generation of professional historians. History knowledge with his efforts became a scientific subject that required specialized training. This paper aimed to investigate the importance of the role of skills training in history teaching with an emphasis on *Rankean* Paradigm. The findings of this study indicated the importance of the role of skills training in the thinking of the great historian, who, while establishing a new paradigm in historiography, launched the first period of internship and training in the field of archeology on July 12, 1825 (AD).

Keywords: Skills Training, Leopold Von Ranke, Internship, *Rankean* Paradigm, History teaching

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

¹ PhD in History of Islamic Iran graduated from Tarbiat Moallem (Kharazmi) University, Tehran



پښتونستان د علومو انساني او مطالعاتو فریښکي
پرتال جامع علوم انساني